



سخن سردبیر

سبحان مسئلت کنم که ما را همواره بر صراط مستقیم پیامبر اکرم (ص) و خاندان طاهرنش (ع) استوار بدارد. اما در باب انتقاد ایشان، که ممکن است نظر برخی دیگر از دوستان نیز باشد، یادآوری و توضیح چند نکته ضروری می‌نماید:

۱. منتقد محترم اعتراض کرده‌اند که چرا ما در کشور شیعه، فارسی‌گرایی می‌کنیم؟ البته من میان توجه به آثار کهن فارسی و اهتمام به نشر آثار شیعی تناقضی نمی‌بینم. گویا منظور ایشان این است که چرا فقط آثار فارسی شیعی را چاپ نمی‌کنیم؟ یا چرا آثار عربی شیعی را منتشر نکرده‌ایم؟ یا این که چرا این همه آثار فارسی از مؤلفان اهل سنت را نشر داده‌ایم؟ و شاید هم همه آن‌ها، باید بگوییم که این نکته از آغاز مورد توجه ما بوده است. عنوان اولیۀ این مرکز هم «دفتر نشر میراث مکتوب ایران و اسلام» بود و ما مأمور بودیم شاخص‌ترین آثار حوزه فرهنگ و تمدن اسلام و ایران را شناسایی و در حدّ مقدور منتشر نماییم. برای این کار از نظر استادان نامداری همچون سید عبدالعزیز طباطبایی، ایرج افشار، محمدتقی دانش‌پژوه، عبدالله نورانی، علی اکبر غفاری، سید جعفر شهیدی — رحمة الله علیهم — و ده‌ها استاد متخصص دیگر بهره گرفتیم

اخیراً یکی از علاقه‌مندان میراث مکتوب در اظهار نظری اینترنتی ذیل یکی از اخبار سایت میراث مکتوب (مقاله حیرةالفقهاء؛ مندرج در گزارش میراث ۵۲-۵۳ ص ۸۷) انتقادی به اساس کارها و منشورات میراث مکتوب اعم از کتاب و نشریه، کرده و نوشته است:

متأسفانه [مدیران] میراث مکتوب مدتی است که بمانند مرکز تحقیقات زبان فارسی در پاکستان و هند آن قدر شیفته زبان فارسی شده‌اند [ند] که یادشان رفته است این‌جا کشور شیعه است، فارسی‌گرایی به چه قیمتی؟ سراسر این سایت را بگردیم یا در خدمت ناسیونالیسم ایرانی است یا در خدمت اهل سنت. ... برای آقای ایرانی متأسفیم که بعد از بیست سال تلاش امروز به خدمت اهل سنت درآمده‌اند و به صرف فارسی‌گرایی و ادبیات فارسی، فقه اهل سنت را [ترویج می‌کنند] دیروز صلات مسعودی و امروز هم حیرةالفقها ...

به عنوان مدیر عامل میراث مکتوب، لازم می‌دانم به مصداق حدیث شریف «احبّ اخوانی الیّ من اهدی الیّ عیوبی» از این دوست دلسوز سپاسگزاری کنم و از خداوند



و به لطف خداوند آثار ارجمندی از علمای بزرگ شیعه برای اولین بار شناسایی و تصحیح و منتشر شد، همچون تفسیر ابوالمکارم حسنی، مصابیح القلوب حسن شیعی سبزواری، تحفة الابرار عماد طبری و اخیراً هم منظومه حماسی علی نامه که نگین آثار این مرکز است و مورد تحسین مرجع بزرگ شیعیان آیت الله العظمی سید علی سیستانی قرار گرفته است. پس باید اذعان کرد که از مجموع ۲۶۰ عنوان اثری که تاکنون این مرکز مفتخر به نشر آن شده است، نزدیک به نیمی از آن‌ها از آثار مؤلفان شیعی است.

۲. اما به این دوست گرامی و به عزیزان دیگری که چنین می‌اندیشند، باید یادآور شد که میراث مکتوب از آغاز به این دلیل که مؤسسانی در شهرهای دیگر برای نشر متون احادیث، کلام، فقه و اصول شیعه با بودجه‌های دولتی و غیردولتی ایجاد شده، وجهه همت خود را به حمایت از انتشار متون کهن ادبی، فلسفی و تمدنی ایران اسلامی اختصاص داد و نشر آن متون را وظیفه همان مراکز به شمار آورد، چراکه ورود مراکز دینی به حوزه تمدن اسلام و ایران در سطح گسترده همواره با موانعی روبه‌رو بوده و اساساً جزء اولویت‌ها و وظایف آن‌ها قرار نگرفته است. برخی از این مراکز اگر تفسیری از اهل سنت را پژوهش و آماده چاپ می‌کردند، به دلیل همان محذورات مورد اشاره محصول خود را برای چاپ به جای دیگر می‌سپردند.

۳. اما فراتر از همه این‌ها، جز در مباحث فقه و حدیث و کلام و گاه فلسفه، چه فرقی می‌کند که دین و مذهب نویسنده چه باشد؟ ممکن است مورخی در مقطعی از زمان تحت تأثیر عقاید مذهبی‌ش، مطلبی را حق و ناحق کند، یا کاتبی لفظی یا عبارت یا فصلی از کتاب را متأثر از دیدگاه ایدئولوژیکش تغییر دهد، اما در آثاری که اساساً زمینه تمدنی صرف دارند، مثل ریاضی و نجوم و طب و... و حتی تاریخ و جغرافیا و ادب فارسی، چرا باید اعتقاد مذهبی مؤلف را در انتخاب و نشر اثر دخالت داد؟ اگر قصد تنها حمایت از زبان افتخارآمیز فارسی است و به رهنمود مقام معظم رهبری باید هرچه بیشتر در اعتلا و معرفی این زبان که پایه هویت ماست کوشید، به راستی شیعی یا سنی بودن مؤلف چه ضرری به آن هدف می‌زند؟ یا چه نقشی در پیشبرد آن هدف دارد؟ با این حال ما همواره از انتشار آثار

کهن شیعی به زبان فارسی استقبال کرده‌ایم و کوشیده‌ایم تا سهم دانشمندان شیعی را در گستره تمدن اسلامی و بشری بر پایه آثار به جای مانده از آنان برجسته‌تر کنیم و البته ادامه این راه جز با عزم جدی و همکاری وسیع پژوهشگران برتر و متخصص کشور ممکن نمی‌شود.

۴. از نظر میراث مکتوب هر اثر فارسی تا قبل از ۷-۸ هجری نسبت به منابع بعدی، از جهات مختلف تاریخی، زبانی، ادبی و غیره درخور بررسی و گاه تحقیق و انتشار است. رساله حیره الفقهاء، که پژوهشگر کوشای میراث مکتوب در مقاله‌ای آن را معرفی کرده، از لحاظ مسائل زبان فارسی دارای اهمیت بسیار است، صرف نظر از آن که از نظر تاریخ فقه نیز اثری شایان توجه است. جالب این که وقتی دکتر شفیعی کدکنی از وجود این اثر مطلع شدند، شخصاً برای دیدن این رساله به میراث مکتوب تشریف آوردند و تصویری از این نسخه را مطالبه کردند.

۵. زبان فارسی زبان همه اقوام و ملل ایرانی است، در هر جا که باشند. ترکی و لری و بلوچی و کردی و گیلکی و خراسانی و سمنانی و خوانساری و... همه زبان اقوام ایرانی و زیرمجموعه زبان فارسی است. شایسته نیست دیگران را متهم کنیم که چرا مروج زبان معیار ایرانی هستند و انگ ناسیونالیسم ایرانی به آنان بزنیم. متأسفانه هر روز شاهدیم که یک شخصیت ایرانی را مصادره می‌کنند. آذربایجانی‌ها، خاقانی و نظامی گنجه‌ای را آذربایجانی دانسته‌اند، دیروز عرب‌ها از مصادره اسم خلیج فارس شروع کردند و الان به صرف این که آثار علمای ایرانی به زبان عربی است، آنان را عرب و تألیفاتشان را «تراث عربی» و دانشمندان ایرانی را «نوابغ العرب» در کتب درسی و منابع مدرسی خود ترویج می‌کنند. آیا اگر ما به دنیا اعلام کنیم که تمدن بشری، بخشی از اعتلای خود را وامدار دانشمندان مسلمان ایرانی است، در زمانی که عربی‌نویسی باب بود و زبان رسمی به شمار می‌آمد، کار پسندیده و افتخارآفرینی نیست؟ کسانی که حتی بعضی از آثار خود را هم‌زمان هم به فارسی و عربی نوشته‌اند تا عملشان حجتی برای مدعیان امروزی باشد (مثل ابن سینا، ابوریحان بیرونی، خواجه نصیر طوسی، غزالی، مسعودی و رشیدالدین فضل‌الله همدانی و بسیاری دیگر) و بدخواهان و حسودان گمان مبرند که اینان عرب



بوده و قادر به نوشتن به زبان فارسی نبوده‌اند؟ لذا از انصاف به دور است که ما را که در ترویج زبان مادری خود حتی قصور هم داشته‌ایم، متهم به ترویج ناسیونالیسم ایرانی کنند.

۶. نیز بر احدی پوشیده نیست که گستره ایران بزرگ فرهنگی و رواج زبان فارسی از شبه‌قاره هند و پاکستان گرفته تا چین و ماچین، ماوراءالنهر، بالکان، آسیای صغیر و آناتولی بسیار چشم‌گیر بوده است. به همین دلیل اغلب آثار به جای مانده از سده‌های نخستین تا عصر صفویه، چه فارسی و چه عربی، که به دست مؤلفان ایرانی در این قلمرو وسیع فرهنگی نوشته شده، همه نشانه‌های افتخار و هویت ماندگار تمدن بزرگ ایران اسلامی است که باید قدر آن را بدانیم و بر خود ببالیم که دارای پیشینه‌ای با عزت و عظمت بوده‌ایم و وظیفه داریم به هر نحو ممکن از آن پاسداری کنیم.

۷. از سوی دیگر، امکانات و بودجه میراث مکتوب همیشه محدود و به صورت کمک بوده، لذا گاه کم می‌شده، گاه رئیسی می‌آمده و دو سالی کمک را قطع می‌کرد، البته دورانی

هم بوده که با نگاه مثبت، حمایت‌هایی انجام می‌شده است. لکن به دلیل همین فراز و نشیب‌ها، در این سال‌ها چه بسیار قراردادهای ناخواسته فسخ شد؛ آیا در حالت خوف و رجا، می‌توان به این فکر بود که فلان نسخه را از فلان کتابخانه با هزینه بسیار درخواست کرد؟ مع‌الاسف همچنان پس از ۲۰ سال کار و کسب اعتبار، همان پاسخ را می‌دهند که «جزء نفایس است» «خودمان می‌خواهیم منتشر کنیم». هیچ‌کسی هم قادر نبوده اینان را بازخواست کند. پس به طریق اولی، دریافت الواح فشرده از خارج کشور نه از لحاظ اقتصادی چندان مقدور است و نه به‌زودی می‌توان به آن‌ها دست یافت. ما همواره دست‌یاری به سوی دوستداران و علاقه‌مندان دراز می‌کنیم و انتظار داریم ضمن بیان نقدهای سازنده، به ما کمک کنند تا به نسخ خطی ارزشمندی که، در گوشه و کنار کتابخانه‌های داخل و خارج، گرد فراموشی بر آن‌ها نشسته، دست بیابیم و با پژوهش و تصحیح آن‌ها جامعه علمی کشور را از وجود چنین منابع ذی‌قیمتی آگاه سازیم. ان‌شاءالله.

■

سردبیر

دعوت میراث مکتوب از فرهنگ‌دوستان برای همکاری در انتشار کتاب

مرکز پژوهشی میراث مکتوب در طرحی از بانیان و حامیان برای چاپ آثار ارزشمند ایران و اسلام دعوت به همکاری می‌کند.

این طرح پیش از این در آبان ماه سال گذشته به فراخوان گذاشته شد و کتاب مجالس با حمایت مالی یحیی شایسته‌منش، خلاصه‌الشعار و زبدة‌الافکار (بخش قم و ساوه) با همکاری کتابخانه تخصصی تاریخ اسلام و ایران و شرح المقدمة فی الکلام با همکاری مؤسسه مطالعات اسلامی دانشگاه آزاد برلین و کتابخانه تخصصی تاریخ اسلام و ایران منتشر شد. شایان ذکر است که نام حامی در کتابهای مورد نظر درج خواهد شد.

فهرست آثار آماده چاپ در پایگاه اینترنتی مرکز (www.mirasmaktoob.ir) موجود است.

